

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

از نشریه پیشرو- شماره ۳۸

۱۳ می ۲۰۱۱

چرا احزاب رسمی در افغانستان ورشکسته اند؟

پس از یازدهم سپتمبر و هجوم نیرو های خارجی به افغانستان ، بازار دموکراسی، پلورالیزم، آزادی بیان و آزادی اجتماعات گرم شد. هر که شوری و سودائی در سر داشت به دنبال پیدا کردن راهی بر آمد تا بتواند ازین نمد سهمی به دست آورد. این بود که به یک باره بیش از صد حزب با نام و نشریه، اکت و اداهای ظاهراً توده ئی و پر زرق و برق به بازار سیاست وارد شدند. بیشتر این احزاب از استحاله تنظیم های جهادی و یا توتّه توتّه شدن حزب دموکراتیک خلق زاده شدند.

اما بیشتر این احزاب که قبلاً در کوره پراتیک مردمی ناکام بر آمده، بر پیشانی بیشتر آنها مهر جنایت و خونریزی زده شده بود لذا فاقد پایه توده ئی و مردمی بوده، فقط با کرایه و یا خرید تذکره های مردم اعضای شان را در وزارت عدلیه ثبت کرده و جواز فعالیت گرفتند. بیشتر این احزاب که باید از جائی «تمویل» می شدند و حتی به این اشاره وارد میدان شده بودند با فعالیتهای انجوائی نه تنها کاری برای مردم انجام ندادند که به بخشی از فساد رایج کنونی مبدل گشتند و از این سبب به دامن این دونر و آن دونر زدند تا مگر «چانته خالی» را پر کنند. احزاب و گروه هائی که پیشینه چنین پیوند هائی داشتند به زودی صاحب نان و نوال شده، به «بورسیه» و «مدال» رسیدند اما بقیه که کمتر در چنین روابط و مغالزه ای قرار داشتند، در حد گرفتن جواز جا به جا اتراق کردند و کسی از سر کرم هم به سراغ شان نرفت.

احزابی که صاحب نان و نوال شده، برنامه انجوسازی و پول کشی پر رونقی دست و پا کردند، چون به خاطر انجو شدن و در «شرایط کنونی» نه خدمتی در نهاد می توانست وجود داشته باشد، مردم نه تنها روی خوشی به ایشان نشان ندادند که از دادن تذکره در برابر «آرد» نیز پشیمان گشتند. این احزاب در این دایره باقی ماندند و صرف به چند تظاهرات (آنها با افراد کرائی) دلخوش کردند که ناف زمین و زمان همین کار است. اینان در برابر این تظاهرات فند و وند زدند که همه آنها را تظاهرات سفارتخانه ئی نام نهاده به این صورت توقعی از چنین احزابی نداشتند.

در شرایطی چون افغانستان دولتهای حاکم مطمئناً برای احزاب جدی که مهر انقلابی بر پیشانی دارند، اجازه جواز و فعالیت نمی دهند. تا زمانی که برنامه و اساسنامه شان را از جوهر و محتوای مردمی خارج نسازند، ممکن نیست

جواز فعالیت به دست آرند. لذا این احزاب چیزی در آئین ندارند تا به مردم تقدیم کنند. به این خاطر تجربه اولین حزب سازی رسمی بعد از حضور نیرو های خارجی در افغانستان و همگامی این احزاب با این دوستان و در پرتو دموکراسی کنونی که احزاب، مهمترین رکن نمایش آن است، به ورشکستگی خفت باری رسیدند. عدم توجه مردم به اکسیون ها و عملکرد این احزاب و جا نیفتادن در سینه فردی از توده ها، آنها را به تشکلات نفرت بر انگیز تر از انجو ها شباهت داد و کار های سیمبولیک شان نه تنها به دل کسی چنگ نزد که ادعا های «محور» شدن آنها نیز بیش از دروغ حقیری نزد توده های مردم جدی گرفته نشد.

بیشتر احزابی که پول محور اند. فند، پروژه و انجوسازی ضرورت وجودی آنها را رقم زده، تا زمانی زنده اند و حزب اند که این پول ها به دامن شان بریزند و وقتی توقف داده شد، یک شبه منحل می گردند و زمانی که بار دیگر مجرای حیات مادی پیدا شد، چون قارج می رویند. لذا نفس برخی از این احزاب به جیب هائی بسته است که باید دست داد و دهشی در آن فرو رود و الی حیات ننگین آنها به گورستان تاریخ سپاریده می شود. این را در این چند سال همه تجربه کرده و کوچکترین شکی در آن وجود ندارد.

وقتی بعضی از احزاب رسمی برای هر دستی کمرخم می کنند تا مدالی بر گردن بیاویزند و بی هیچ شرمی آنرا توجیه می کنند که گویا فلان و بهمان مردم آن را «هدیه» نموده تا ماهیت پوشالی شان پنهان نگهداشته شود؛ مردم نسبت به عملکرد آنها بی باور شده و پیشیزی ارزش نمی دهند، این احزاب که فقط دور دسترخوان خاصی شکل گرفته و از توده ها بیشتر تجرید می گردند، روز تا روز در لاک پست و پلشت خانوادگی فرو رفته در این محدوده تنگ و تاریک خلاصه شده، هر لحظه در برابر بی اعتمادی فردی از صفوف قرار می گیرند. افرادی که فکر کرده بودند، این راه راهی ترکستان نیست و به این صورت بلا وقفه بهترین مبارزان خود را از دست می دهند و الیگارش خانوادگی بیش از پیش تناب انحصاری به بر و دور این احزاب می پیچد.

افرادی که ساده لوحانه امید رسیدن به آمال شان را از این طریق دارند، یا بعد از مدتی که وجدان شان نهیب انسانی سر داد، از چنین احزابی خارج شده و به آن لگد حواله می کنند و یا وجدان شان را پلشتی احتوا کرده فقط یاد می گیرند که چگونه از موقف پولی و سیاسی این احزاب استفاده کنند. این افراد که همه روزه آگاهانه و یا ناآگاهانه از سوی رهبران شان در بازار مکاره سیاست بازی های ارتجاعی سودا می شوند، به محض برآورده شدن اهداف شخصی، این احزاب نامنهاد شان را ترک کرده و به نرخ روز به معامله گری می پردازند. اما آنانی که از موضع توده ئی از این احزاب می برند، به زودی جُل شان را روی بازار می کنند و به توده های مردم می فهمانند که بازی این تاجران سیاسی را نخورند، چون فکر، خون و عرق شان را به پای دیوار های مارکیت سازی ها دفن می کنند و عده ای خاصی از آن کیف کرده، بر ساده لوحی های شما می خندند و شماتت می کنند.

چنین احزابی که ادای غیر ایدئولوژیک کرده و چون ابزار پول سازی عمل می کنند، نه تنها سرنوشت و راهی جز ورشکستگی ندارند بلکه عده ای از افراد معصوم و توده ئی را نیز در باتلاق نجاست غرق می سازند و در همانجائی که خود دفن می شوند، آنها را نیز مدفون می سازند.